



شهید حسنعلی صفری نژاد

نام پدر: علی

شماره شناسنامه: ۵۶۵۳۵

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل تولد: شهرستان دزفول

سال ورود به دانشگاه تبریز: ۱۳۶۲

رشته تحصیلی: مکانیک-حرارت و سیالات

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

(عملیات کربلای ۴)

محل شهادت: جزیره مینو

شهید حسنعلی صفری نژاد به سال ۱۳۴۱ هـ. ش در شهرستان دزفول چشم به جهان گشود. تحصیلات اولیه را در زادگاه خود با موفقیت به پایان رساند. در آزمون سراسری سال ۱۳۶۲ دانشگاهها از رشته‌ی «مکانیک - حرارت و سیالات» دانشگاه تبریز پذیرفته شد.

شهید صفری نژاد، دانش آموز اول دبیرستان بود که نهضت اسلامی مردم ایران شروع شد؛ وی بی درنگ به جمع جوانان مؤمنی پیوست که با راهپیمایی‌ها و تظاهرات به دعوت امام خمینی(ره) در مورد قیام بر علیه حکومت پهلوی لبیک گفتند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران به عضویت این نهاد مردمی درآمده و در واحد اطلاعات - عملیات فعالیت خود را آغاز نمود. با شروع جنگ تحمیلی به اطلاعات - عملیات لشکر منتقل و به میادین نبرد اعزام گردید.

همزمان با دفاع در جبهه نظامی، در سنگر علم نیز به تلاش پیگیر خود ادامه داد و در سال ۶۲ وارد دانشگاه گردید؛ ولی قبولی از دانشگاه نتوانست مانع حضورش در جبهه گردد. با توجه به اینکه جنگ را در سرلوحه‌ی امور می‌دانست و حضور در مناطق جنگی را بر هر کاری ترجیح می‌داد بارها درس و دانشگاه را رها کرده و به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام گردید که در آخرین اعزام به تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۴ (عملیات کربلای ۴) در جزیره‌ی مینو به فیض عظیم شهادت نایل آمد. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

شهید صفری نژاد از کودکی با قرآن و اهل بیت مانوس بود؛ در جلسات قرائت قرآن بیشتر شرکت می‌کرد. کنجکاوی، رازداری، شجاعت، متانت، اخلاص و تلاش مستمر از ویژگیهای بارز او بود. کمتر حرف می‌زد و بیشتر به حرف دیگران گوش می‌داد. عاشق امام حسین(ع) و فرزند خلف ایشان، امام خمینی(ره) بود. انقلاب اسلامی را ودیعه‌ی الهی می‌دانست و معتقد بود همه‌ی مردم موظفند با جان و دل از آن پاسداری کنند.

قسمتی از وصیت‌نامه شهید صفری نژاد

«... آنها که تن به هر ذلتی می‌دهند تا زنده بمانند، مرده‌های خاموش و پلید تاریخند و ببینید آیا کسانی که سخاوتمندانه با حسین به قتلگاه خویش آمده‌اند و مرگ خویش را انتخاب کرده‌اند در حالی که صدها گریزگاه آبرومندانه‌ای برای ماندنشان بود و صدها توجیه شرعی و دینی برای زنده ماندنشان بود؛ توجیه و تأویل نکردند و مردند، اینها زنده هستند یا آنها که برای ماندنشان تن به ذلت و پستی رها کردن حسین(ع) و تحمل کردن یزید دادند؟ کدام هنوز زنده‌اند؟...»